

## بقلم : آقای ثقفی همدانی فقیه

## تقریظ و انتقاد

## دیوان صفائی

چندی پیش از طرف کتابخانه سخن در اطلاعات اعلان شده بود که دیوان ابراهیم صفائی و تاریخ ملایر در یک جلد منتشر شده است. حقیر از دیرباز با اشعار نغز و مقالات پرمغز این شاعر نامی فی الجمله آشنائی داشتم و بی میل نبودم که مجموعه از آثار ایشان داشته باشم و گاهی از مطالعه آن نشاط خاطر می تحصیل کنم علی الخصوص انضمام تاریخ ملایر باین دیوان برولعم افزود.

چون سالهاست در سوابق تاریخی بلدان غرب ایران مشغول تفحص و تتبع هستم و متأسفانه اکثر آ منبع تحقیقی نیافته‌ام. انتشار تاریخ ملایر قدری از کار حقیر را آسان کرد. رفتم و این دیوان فصاحت بنیان را خریدم:

اولاً مقدمه بسیار منطقی و خردمندانه درباره شعر و شاعری دارد که شاعر دانشمند باخامه فصیح و برهانی متین واقعیت هنر شاعری را واضح کرده و تلویحاً بسیاری از متشاعران پرمدعا را که مجلات هفتگی ناقل و ناشر آثار آنها میباشند از قلمرو شعر و ادب طرد کرده‌اند.

ثانیاً بآثار شاعر ارجمند پرداختم و هر چه بیشتر خواندم حریص تر شدم، این آثار حکایت از یک طبع قوی و یک قریحه صافی دارد بعلاوه تسلط ایشان بر علوم ادب و ممارست و تحقیق در تاریخ و سیر و عرفان نشان میدهند همه جا بیانش نغز و افکارش بدیع و دلنشین است:

غزلهای صلح پایدار صفحه ۲۱. بهشت سرمایه داران صفحه ۱۴. مهمان شیراز صفحه ۱۲. جام جهان بین صفحه ۲۸. خزان صفحه ۳۰. نوای کاروان صفحه ۵۲. شهر پرفتنه صفحه ۴۷. نغمه آشنا صفحه ۳۹. پروین صفحه ۲۲. راز نهان

صفحه ۲۰ . آتش سیگار صفحه ۵۴ . ای ماه صفحه ۵۶ . تو کردی صفحه ۵۷ .  
بهترین نمونه غزلسرائی در زمان حاضر است و نشان میدهد که شاعر توانا با مایه  
علمی و ادبی و طبعی قوی و قریحه روشن و فکری دقیق و احساسی لطیف در  
غزلسرائی شیوه نو ابداع کرده است که کاملاً ممتاز از شیوه دیگر اقران است :

در آثار دیگر مثل چکامه هنگام شکوفه صفحه ۶۵ . ساحل خزر صفحه ۶۸ .  
رؤیای زندگی صفحه ۱۸ . آنشب صفحه ۲۹ . بمثل يك نقاش چیره دست طبیعت و  
زیبائیهای آنرا بصورتی محسوس و دلپذیر وصف و تصویر کرده و آنهم با تشبیهات و  
تعبیرات جالب و دلنشینی که از هر حیث تازگی دارد و مولود فکر دقیق و اندیشه  
بلند آقای صفائی است و با مهارت دست خواننده را میگیرد و با خود بسیر زیبائیها  
و مناظر مختلف طبیعت می کشاند:

خاطرات تلخ و شیرین شاعر در این دیوان است و هر کس بخواند تحت تأثیر  
شیوائی بیان و لطافت معنی از آن تأثرات و خاطرات نصیبی میگیرد لحظه‌ای از شادی  
وصل میخندد و لمحهای از تلخی هجرمی نالد : اما روئیم يك اندوه نهانی بسراسر  
آثار این شعر گرانمایه سایه افکنده. اندوهی که خود شاعر در نسب نامه‌اش آنرا  
مولود حساسیت و عواطف عالی و نتیجه محرومیت ها و بیعدالتی های اجتماع  
می داند :

این تآلمات نشان میدهد که روح بلند پرواز شاعر و فکر بزرگ او در محیط  
محدود زندگی عادی و اداری و همکاری و همزیستی با جمعی فرومایه نادان چه رنجها  
تحمل کرده است: شما همه جا این ناله را می شنوید:

در این خزانزده باغی که آشیان دارم

چه خارها بدل از جور باغبان دارم

امید زیست درین آشیانه نیست مرا

که در گذر که سیل فنا مکان دارم

نه ذوق هممنفسی نه مجال پروازی  
 ز زندگی چه نصیبی درین میان دارم  
 چنان ز آتش بیداد سوختم که هنوز  
 نمی به دیده و دودی به دودمان دارم  
 در این چمن که زبان آوری زیان دارد  
 بس این گناه صفائی، که من زبان دارم



در این محیط تیره ما روشن چراغیم  
 باید که در شادی و در ماتم بسوزیم  
 نامحرمند این خلق با ما غم همین است  
 کاخر چرا در بزم نامحرم بسوزیم



دلی در بند غم دیوانه دارم  
 بکوی نا مرادی خانه دارم  
 ز بس افسانه عمرم غم افزاست  
 هزار غم افسوس ازین افسانه دارم  
 بمن نا محرمند این دیو مردم  
 گریز از صحبت بیگانه دارم  
 درین میخانه، چون سازم نشاطی  
 که من خود زهر در پیمان دارم

شاعر گرانمایه و حساس در بعضی از آثار نفیس خود بیعدالتی های اجتماع  
 را نیکو مجسم کرده و بایبانی دلنشین زبان باتنقاد گشوده است :

قطعه مرغ حق صفحه ۱۰۳ و قطعه فرشته عدالت صفحه ۸۲ و قطعه مرگ

فقیر صفحه ۷۸ و قطعه غریب صفحه ۱۰۴ و قطعه مشت امواج صفحه ۶۷ و قطعه ناشایستگان صفحه ۹۹ و قطعه طلسم صفحه ۹۳ و قطعه طوطی صفحه ۸۵ و قطعه چایلوسی صفحه ۸۶ از انتقادات تند و عمیق و در عین حال از آثار پر قیمت ادبیات معاصر محسوب میشود.

حکامه شیر ایران در صفحه ۶۹ نیز حکایت از احساسات پاک ملی و میهنی شاعر دارد:

دو قطعه جانگداز هم در مرگ دختر خردسال خود گفته که انصافاً بی نظیر و پرسوز میباشد:

ملخص کلام: بعقیده حقیر این دیوان یکی از غنی ترین کتب ادبی معاصر میباشد و همه جا حکایت از صفای خاطر و آزادگی و همت بلند و روح بزرگ شاعر دارد: نسب نامه شاعر نیز ابتکاری است که آقای صفائی با قلمی توانا خاندان کهنسال خود را که از اصیل ترین و ریشه دار ترین خاندانهای روحانی است معرفی کرده و بعداً به تحریر تاریخ ملایر مبادرت جسته است:

اینکار هم با تحقیقات عمیق و مستدلی که شده نشان میدهد که آقای صفائی نه تنها در نظم و نثر استاد است بلکه مرد تحقیق و تتبع نیز هست و در تاریخ یدی طولی دارد. انتقادات شیرین و کوبنده هم که در ضمن این تاریخ از قلم ایشان جاری شده در خور دقت است: امید است همشهریهای آقای صفائی همینقدر بتوانند ارزش خدمتی را که بتاریخ ملایر شده است تشخیص دهند:

ولیکن آنچه بنظر حقیر جای ایراد است:

در فصل شعرهای پراکنده بعضی اشعار هست که مقدمه و مؤخره صحیح ندارد یعنی دویست از میانه یک غزل نقل شده و باین مناسبت گاهی مبتدا و خبر و موضوع و محمول درست توضیح نمیشود.

اگر از درج این شعرها که تعدادشان هم خیلی قلیل است صرف نظر می شد اصلح بود.

در تاریخ ملایر که بذکر آثار و ابنیه خیریه پرداخته شده از مدرسه اسدی که بانی آن مرحوم اسدالله خان لطفعلیان بود یاد نشده در صورتیکه خود شاعر در تقولیت در این مدرسه درس خوانده و یقیناً فراموش شده است :

از چند نفر مالک متعددی و بی خاصیت بنیکی نام برده شده و حال آنکه حقیر در اقامت سابق خود در ملایر دریافته‌ام که عده‌ای از این اشخاص حسن شهرتی ندارند و بلکه برعکس: در این صورت ذکر نام این قبیل اشخاص لزومی نداشته است زیرا آثار خیری هم در محل ندارند و اهل خیری هم نمی باشند: قیمت کتاب یکصد و پنجاه ریال تعیین شده: گرچه از حیث اهمیت مطالب ارزندگی دارد اما از لحاظ حجم و شکل ظاهر کتاب این قیمت گران است.

بهر حال انتشار این گنجینه گرانبهای نظم و نثر را بعموم طالبان ادب تبریک می گویم و مقاله خود را با این شعر پرارزش آقای صفائی خاتمه میدهم:

ما را بصاحبان زر و زور کار نیست  
دنیای اهل معنی دنیای دیگر است

### اندرز

یکی نصیحت من گوش دار و فرمان کن  
که از نصیحت سود آن برد که فرمان برد  
همه بصلح گرای و همه مدارا کن  
که از مدارا کردن ستوده گردد مرد  
اگر چه قدرت داری و عدت بسیار  
بگردد صلح داری و بگردد جنگ مگرد  
نه هر که دارد شمشیر حرب باید ساخت  
نه هر که دارد فاذهر زهر باید خورد  
خواجه ابوالفتح بستی